

# کنکوری‌ها

## عیدتان تقریباً مبارک!

■ امیرعلی نبویان

نویسنده‌ی رادیو تلویزیون

به کل فراموش کنید که به مجادله‌اش نمی‌ارزد!... در ضمن! عیدی مرحمتی را هم پای مزد آن خر حمالی و فعلگی ایام خانه‌تکانی بگذارید و به زخمی بزنید که از شیر مادر حلال تر است...

ناگفته نماند که برای ثواب بردن از آیین صله‌ی ارحام یا رفع دل‌تنگی بابت چند ماه ندیدن دایی فلان و عمه‌ی بهمان نیز وقت بسیار است اما با والدین‌تان شرط کنید که حتماً عیدی، حقه‌ی شما را به نیابت، وصول فرمایند که اگر از موعدش بگذرد، مطالبات‌تان «کأن لم یکن» تلقی و هاپولی خواهد شد!

از آن جاکه یک کنکوری اورجینال، ارادتی ویژه به خرافات پیدا می‌کند، جایز و لازم است که مراسم «سیزده‌بدر» را بی‌کم و کاست و با وسواس و رعایت دقیق جزئیات برگزار کند که مبادا «نحسی» دامن‌گیر زحمات یک‌ساله‌اش شود...

خلاصه‌که، راستش این نوروز سعید، کمی با قبلی‌ها توفیر دارد! به امید آن‌که از سال آینده، دسته‌جمعی عید را از شور و شادی و عشق و حال بترکانید که تا آن موقع از کنکور و مشقت‌هایش، جز یک خاطره‌ی خوش باقی نمانده است...

ان‌شاءالله.

چون سر آمد دولت شب‌های وصل بگذرد ایام هجران نیز هم

مهم‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید؛ آن هم وقتی مادری وسواسی و پدیری از زیر کار در رو داشته باشید! لابد با من موافقید که این خود تنوعیست و مجالی برای فرار از دغدغه‌های امتحان، که به‌طور کامل رهایتان نمی‌کند و شما به وقت سابیدن، ضریب اصطکاک پارچه روی شیشه‌ی پنجره یا موقع وارسی مادر و بر ملا شدن لکه‌های پاک نشده، ضریب زاویه‌ی سگرمه‌های او را محاسبه یا فرمول شیمیایی مواد شیمیایی مواد شوینده و شاید هم آثار مخرب جوهرنمک و آب‌ژاول را روی سیستم تنفسی‌تان مرور می‌کنید. البته نگران نباشید، جرم‌گیر جوهرنمک، جرم‌تان را کم نمی‌کند و وایتکس هم معلومات و محفوظات‌تان را پاک نخواهد کرد.

در چنین شرایطی، مدام از والدین گرامی‌تان می‌شنوید که چند ساعت کمک به آن‌ها در امر رُفت و روب و شست‌وشو، لطمه‌ای به رتبه‌ی شما وارد نمی‌کند که قطعاً پر بیراه نیست؛ مشروط بر این‌که عزیزان هم بر مواضع‌شان استوار بمانند و همین رویکرد را موقع پخش مستقیم مسابقات لیگ برتر هم حفظ کنند! اما بدانید که از دقیقه‌ی هفت بعد از شلیک توپ سال نو، چشم‌غره‌ها شروع می‌شود و یک ربع بعد از آن، سرکوفت‌ها و یادآوری اهمیت و مصایب کنکور؛ بهتر است شما هم ماجرای عید را

وقتی تلاش و امید، ارایه‌ی اوراق و بی‌ترمز یک کنکوری مفلوک را در مسیر تقویم، تا کمرکش نیمه‌ی دوم اسفند و اواخر سال خورشیدی هُل داده باشد، یک تَقّه‌ی نابه‌جای کوچک کافیسست که گاری و گاریچی و هر چه جزوه، کتاب، تست و تمرین بر آن بار شده، با بی‌ملاحظگی یابوی زبان نفهم و رَم‌کرده‌ی زمان، تا قعر دره‌ی «حیف شد وای کاش!» کله‌کنند... بارها شنیده‌ایم که بار کج، همین جوری‌اش هم به منزل نمی‌رسد، حال فرض بفرمایید که قرار باشد از چنین جاده‌ی صعب‌العبوری نیز بگذرد! و اما... این تَقّه‌ی کوچک، «عید نوروز» است با آیین‌هایی آشنا و محترم که به‌جا آوردن بسیاری‌شان خالی از لطف نیست! مثل دور هم نشستن در لحظه‌ی تحویل سال کنار سفره‌ی هفت‌سین و عیدی گرفتن و آن دعای معروف که کنکوری‌های گرامی، بخش «حول حالنا الی احسن الحال» اش را با یک سوز دل و حضور قلبی بی‌بدیل قرائت می‌کنند...

ناگفته نماند که در بازار داغ خواسته‌ها و امیدهای والدین و فک و فامیل، بعد از «سلامتی» دکان قبولی در کنکور از بقیه پررونق‌تر است؛ هر چند که گاهی این آرزوها جنبه‌ی نمادین و تشریفاتی دارند! به عنوان نمونه عده‌ای بدون در نظر گرفتن سرنوشت و وضع معیشت طبّای محترم، خواستار سلامتی «همه» هستند! و ناگفته پیداست که در صورت استجابت، پزشکان فراوانی از گرسنگی تلف خواهند شد و نیز این‌که امید

دارند همه‌ی کنکوری‌ها قبول شوند؛ با محاسبه‌ی سرانگشتی تعداد شرکت‌کنندگان آزمون و مقایسه‌ی آن با ظرفیت دانشگاه‌های کشور، واضح است که اساساً این دعا مستجاب شدنی نیست. اما برخی رسوم منصوب به نوروز، لازم ولی آزاردهنده و گریزناپذیر است و «خانه‌تکانی»

